

یادداشت

گازهای گلخانه‌ای تشدیدکننده بیماری جنگل‌ها

مفقر شیروانی - مشاور بین‌المللی جنگل

تغییرات آب و هوایی که آنها را ناشی از افزایش گازهای گلخانه‌ای دی‌اکسید کربن، متان ، دی‌اکسید ازن و بخار آب می‌دانند، فقط باعث گرم‌شدن هوا، خشک‌سالی، جاری‌شدن سیلاب‌ها، تغییرات فصول بارندگی، ذوب‌شدن برف یخچال‌های طبیعی، سونامی، گسترش ریزگردها و مسائل دیگر نمی‌شوند، بلکه اتفاقاتی که رخ می‌دهد تمام با افزایش رطوبت و درجه حرارت هوا، زمینه‌های مساعدی را برای طغیان آفات و شیوع بیماری‌های قارچی، باکتری و ویروسی فراهم می‌کند. گرم‌شدن آب و هوا از عوامل اصلی تغییرات جوامع گیاهی و حیوانی هستند. این تغییرات شرایط را برای رشد برخی از موجودات مناسب و برای برخی دیگر نامناسب می‌کند. حشرات بخش مهم و تأثیرگذاری در اکوسیستم هستند که انبوهی از آنها تحت تأثیر این تغییرات آب و هوایی قرار می‌گیرد. پروانه باعث شیب‌برده شش‌شاخ که یکی از عوامل خشک‌شدن شمشاد‌های هبرکنای است، در کشور مبدأ (آسیای شرقی) دارای پنج سل است. همین پروانه مهاجر در اروپا به علت هوای معتدل آنجا سه تا چهار نسل و در شمال ایران پنج تا شش نسل در سال دارد. هر چه تعداد نسل‌های یک حشره که تابعی از افزایش درجه حرارت محیط است در سال افزایش یابد، به همان نسبت خسارت وارده‌شده به میزبان نیز افزایش پیدا می‌کند. به‌تازگی در کشور آمریکا بیماری ویروسـی West–Nil در مدت‌زمان کوتاهی باعث مرگ هفت نفر نیورپوکی شد. افزایش درجه حرارت هوا و گسترش خشک‌سالی در ۹۰ سال اخیر در همین کشور باعث شده است، جمعیت موش گورنی (Peromyscus maniculatus) به‌عنوان ناقل نوعی بیماری ویروسـی موجب مرگ تعدادی از شهروندان شود. تغییرات اقلیمی و شدت دفعات بارندگی‌های شدید باعث جاری‌شدن سیلاب‌ها و آلودگی آب‌ها و انتشار ویروس‌ی وای می‌شود. سیلاب Mltc در سال ۱۹۹۸ باعث مرگ بیش از ۱۱ هزار نفر در آمریکای مرکزی شد. در ماه فوریه همان سال بارندگی‌های شدید باعث شیوع بیماری وبا و مالاریا در موزامبیک و مرگ تعداد زیادی شد. خانه‌های فراوانی بر اثر سیل تخریب و اقتصاد منطقه کاملاً در هم ریخته شد. گرمای هوا علاوه بر گسترش بیماری‌های ویروسی، موجب مشکلات دیگری از قبیل ناراحتی‌های قلبی، تنفسی، بیماری‌های پوستی و آلرژی نیز می‌شود. تغییرات اقلیمی می‌تواند باعث طغیان آفات و نابودی کامل برخی از محصولات کشاورزی و جنگلی شود. طغیان ملخ‌ها، سوسک‌های سرخ‌طومی، سوسک‌های چوب‌خوار، پروانه‌های برگ‌خوار و سایر حشرات باعث درهم‌ریختگی جامعه گیاهی و حتی نابودی کامل محصولات کشاورزی و جنگلی می‌شود. خشک‌سالی‌های تمادّی بستر مناسبی را برای حمله انواع قارچ‌ها به درختان و خشک‌کردن آنها آماده می‌کنند. نمونه بارز این قارچ‌ها را می‌توان بعبئه در خشک‌شدن گونه بلوط (بیماری اندوفیت زغالی) و شمشاد‌های هبرکنای (بلاست اندوفیت زغالی)، نارون در جنگل‌های زاکرس و خزری، ارسباران و… مشاهده کرد. خشک‌سالی توأم با کمبود مواد غذایی افراد جامعه را دچار وحشت و مبتلا به بیماری روحی- روانی می‌کند. مردم از ترس خشک‌سالی و هجوم گسترده ریزگردها مجبور به مهاجرت می‌شوند که مهاجرت آنها باعث انتقال بیماری‌ها از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌شود. بیشترین تأثیرات تغییرات آب و هوا بر سلامت انسان‌ها، درهم‌ریختگی یک اکوسیستم است. در یک اکوسیستم تغییرنیافته، تعادل اکولوژی بین آفات، بیماری‌ها و پارازیت‌های آنها وجود دارد که مانع از طغیان آفات یا شیوع بیماری‌ها می‌شود. یکی از ایدئالت‌رین روش‌های گسترش از طغیان آفات و شیوع بیماری‌ها، سیستم‌های کنترل‌کننده هستند که می‌توانند به‌موقع و قبل از طغیان آفات و شیوع بیماری‌ها اعلام خطر کنند و با اعلام خطر می‌توانند تدابیر امنیتی اتخاذ شود. در وضعیت کنونی که تغییرات آب و هوایی امکان شیوع انواع بیماری‌ها را افزایش می‌دهند، کم‌کردن مصرف مواد فسیلی یکی از موارد مهم به شمار می‌آید. در هر سوخت‌وساز مواد فسیلی، مقدار زیادی گاز دی‌اکسید کربن ایجاد می‌شود. این گاز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گازهای گلخانه‌ای نقش عمده‌ای را در تغییرات گرمای کره زمین ایفا می‌کند. هر چه حجم دی‌اکسید کربن در هوا بیشتر باشد، گرمای کره زمین به همان نسبت افزایش می‌یابد. جنگل‌ها به‌عنوان مهم‌ترین عامل جذب دی‌اکسید کربن نقش مهمی را در جذب این گاز و انتشار اکسیرن بر عهده دارند. هر چه سطح جنگل‌ها گسترده‌تر شود، میزان دی‌اکسید کربن جذب‌شده از هوا بیشتر و درجه حرارت خنک‌تر است. منابع جنگلی که سطح آن‌ها در کشور ایران بالغ بر ۱۴ تا ۱۵ میلیون هکتار تخمین زده می‌شود، مطلقاً احتیاجی به آبیاری ندارند، بلکه خود باعث افزایش و تعادل شدت بارندگی در مناطق مختلف کشور می‌شوند. احیا و پرورش این جنگل‌ها می‌تواند شرایط مناسبی را برای ارتقای تنوع گونه‌ای گیاهی فراهم کند و زمینه را برای انتقال‌سکردن تغییرات آب و هوایی به‌وجود آورد. هر کجا درختی کاشته نشده باشد، دی‌اکسید کربن نیز از هوا جذب نمی‌شود. گاز متان که از آب ساکن تالاب‌ها، مرداب‌ها و حیوانات نشخوارکننده حاصل می‌شود، توأم با گاز دی‌اکسید ازن که نتیجه فعالیت‌های غیرعلمی کشاورزی است، باید با اتخاذ تدابیر مناسب حجم آنها در اتمسفر تقلیل داده شود.

بهروز هادی‌زنوز، مشاور ارشد اقتصادی در گفت‌وگو با «شرق» اثرات تحریم بر اقتصاد ایران را بررسی کرد

یک دهه از دست‌رفته



هر کشوری در تنظیم مناسبات بین‌المللی خود دنبال حداکثرکردن منافع ملی و به‌حداقل‌رساندن تهدیدهای امنیتی علیه خود است. در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، با تشکیل سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی آن و همچنین شکل‌گیری نهادهای تجاری و مالی بین‌المللی، هویت‌های ملی تلاش دارند با پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز از توسل به راه‌حل‌های به‌رزنه نظامی دست بردارند و به دیپلماسی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روی آورند. کشورهای درحال‌توسعه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم گام‌های سریعی در جهت صنعتی‌شدن برداشته‌اند، تلاش کرده‌اند با توسل به روش اخیر از مزیت‌های جهانی‌شدن به صورت مشارکت فعال در تقسیم‌کار جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌مند شوند و شکاف تکنولوژیک خود را با کشورهای پیشرفته صنعتی کاهش دهند و رفاه مردم خود را به حداکثر برسانند. متأسفانه کشور ما به دلایل مختلف ازجمله بدبینی به نظام اقتصاد بازار و نظام بین‌المللی، نتوانسته در این راه گام بردارد. امروز کشور ما عضو سازمان جهانی تجارت نیست و در فهرست سیاه FATF قرار دارد و در شمار کشورهای است که متحمل هزینه‌های ناشی از تحریم‌های تسلیحاتی، نفتی، تکنولوژیک، تجاری و مالی غرب شده‌اند.

با مرور تاریخ جمهوری اسلامی، ملاحظه می‌شود بلافاصله بعد از انقلاب، دانشجویان خط امام سفارت

آمریکا در تهران را تصرف کردند. از همان زمان رابطه ما با دولت آمریکا تیره شد و این کشور تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد. تعارض‌های ما با کشورهای اروپایی و ایالات متحده همچنین به جنگ ایران و عراق بازمی‌گشت که تحلیل غربی‌ها در این جنگ، آن بود که جمهوری اسلامی می‌خواهد بر انتخاب عقلایی یا مبتنی بر قدرت باشد. در رویکرد اول اقتصاددان روی مسائل عمل جمعی افراد متمرکز می‌شود، در چنین رویکردی تحلیل نهادها ضرورت دارد. نظریات مربوط به توسعه نهادها، نمایندگی در بوروکراسی و رانت‌جویی در نظریه انتخاب عمومی از مهم‌ترین مباحثی است که در این رویکرد به آن پرداخته می‌شود.

در رویکرد اقتصاد سیاسی مبتنی بر قدرت، استدلال می‌شود که نهادها توسط گروه‌های ذی‌نفوذ به‌منظور حفظ منافع خویش به‌وجود می‌آیند. به گفته «دگلاس نورث» گرچه نهاد‌های مناسب می‌توانند ضمن رشد درآمدت اقتصادی باشند، اما دولت‌مردان در اکثر موارد چنین نهادهایی را انتخاب نمی‌کنند، به اعتقاد ما در ایران نیز همین مسائل مطرح است. در یک اقتصاد رانتیر مبتنی بر ثروت نفتی، دولت بر فراز طبقات اجتماعی در مقام توزیع‌کننده رانت اقتصادی ظاهر می‌شود. این رانت‌ها گاه به نفع گروه‌های ذی‌نفوذ و در مواردی برای جلب رضایت خاطر مردم تهدیدست توزیع می‌شود. می‌بینید که در اینجا ما با مسائلی درگیر هستیم که در چارچوب اقتصاد کلان قابل بحث نیست. ضمناً رابطه جمهوری اسلامی با دنیای صنعتی هم در چارچوب مباحث سنت و مدرنیته و تعارضات فرهنگی و فکری قابل بیان است و هم در رابطه با هویت تمدناتی که جمهوری اسلامی می‌خواهد در نظام جهانی از خود تعریف کند. این مسئله بیشتر تحت تأثیر نگاه ایدئولوژیک ما به جهان است. من به این نتیجه رسیدم که ماهیت تعارض ما با دنیای غرب بر سر مسائل استراتژیک نظامی و اقتصادی و حوزه نفوذ در منطقه خاورمیانه است. وقتی این مباحث پیش می‌آید، مناسبات خارجی در بحث و پابندی به اصول و قواعد دیپلماسی اهمیت می‌یابد. تحریم‌ها ناشی از تعارضات ایدئولوژیک و تعارضات اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی با جهان غرب است. با ورود به این مباحث، ناگزیر باید فراتر از اقتصاد کلان گام برداریم و وارد اقتصاد سیاسی شویم که روابط قدرت را از یک سو در میان دولت و مردم در داخل و از سوی دیگر میان دولت‌ها در صحنه بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌دهد.

کارشده‌ها و علل شکل‌گیری تحریم‌ها از نظر شما سیاست‌های خارجی ایران معرفی شده است. در حالی که این سیاست‌ها در ۴۰ سال گذشته کم‌وبیش ادامه یافته است. چرا در سال‌های اخیر اجرای تحریم‌ها تشدید شده است؟

اسلامی در عرصه دیپلماتیک به شمار می‌رود. بعد از برجام، دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا انتظار داشتند ایران به‌آرامی به جامعه جهانی بازگردد و با پایبندی به اصول سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، مناسبات خارجی خود را با کشورهای غربی و کشورهای همسایه خود بهبود بخشد؛ اما وقایع خاورمیانه حصول به این نتیجه را دشوارتر کرد؛ به این معنا که با نفوذ داعش در عراق و سوریه و تجاوز عربستان و امارات به یمن، دولت ایران خود را ناگزیر دید از دولت بنشار اسد در سوریه و دولت شعیبه در عراق و شیعیان یمن حمایت کند. افزایش نفوذ ایران در منطقه، به کام آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن خوش نیامد و با به‌قدرت‌رسیدن ترامپ در ایالات متحده، ورق برگشت و دولت آمریکا از برجام خارج شد. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، مناسبات ایران و غرب در دوره بعد از انقلاب همواره پرترش بوده است. در این میان نیز تحریم‌ها همواره مطرح بوده‌اند؛ اما شدت و ضعف داشته‌اند.

کار به نظر شما این امکان وجود داشت که آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را در تحریم‌ها کاهش یابد؟ چه برنامه و سیاست‌هایی قبل از شکل‌گیری تحریم‌ها در حال حاضر نیاز داریم؟
واقعیت این است که از ابتدا شعار نه شرقی و نه غربی بوده است؛ به این معنا که نظام بین‌المللی را آن‌طور که هست، به رسمیت نمی‌شناختند. در نتیجه دنبال این بودند که یک نظم نوین جهانی، حداقل در حوزه کشورهای اسلامی پدید آید. با توجه به بدبینی‌ها که نسبت به تحریم‌ها داشتیم، در قانون اساسی جمهوری اسلامی رسیدن به خودکفایی و خودبستگی مرکز تأکید بنیان‌گذاران بوده است. در بخش کشاورزی نیز تأکید بر خودکفایی همواره از سوی مسئولان جمهوری اسلامی مطرح بوده و همچنین چون در بخش نظامی و خرید تسلیحات همواره کشور با تحریم‌مواجه بوده، هم‌مغماً با این بوده است که صنایع نظامی مستقل و پیشرفته‌ای را ایجاد کنیم.

با سرمایه‌گذاری خارجی مخالفت کردیم و سرمایه‌گذاری‌هایی را که در گذشته انجام شده بود ملی کردیم. چون به نظام جهانی بدبین بودیم، سعی می‌کردیم رشته‌های پیوند با نظام جهانی را قطع و حتی امکان محدود کنیم، حتی در دوره بازرگان سعی شد اتکا به درآمدهای نفتی کم شود و تولید نفتی ایران که قبل از انقلاب به مرز شش میلیون بشکه در روز رسیده بود، به کمتر از نصف رسید. همه اینها ناشی از نگرانی از وابستگی به غرب بود. در سیاست تجاری هم همواره جمهوری اسلامی تلاش داشت که نگاهیه به شرق داشته باشد؛ یعنی تلاش می‌شد تا طرف تجاری ما هند، چین، کره جنوبی، مالزی و کشورهای آسیای جنوب‌شرقی شوند. به‌این‌ترتیب سعی می‌کردیم برای فرار از تحریم‌ها و تبعیض‌های کشورهای اروپایی و ایالات متحده، سیاست‌های شرقی را اتخاذ کنیم. همه‌چیز در این جهت ساماندهی شده بود که آسیب‌پذیری ما را نسبت به دنیای غرب کاهش دهد. دست‌برقضا دوره‌ای که آقای احمدی‌نژاد سر کار آمد، هم‌زمان با رونق نفتی بود. تز احمدی‌نژاد این بود که همه پول نفت را باید به اقتصاد تزریق کند تا به قله‌های رفیع سعادت و تعالی برسیم. از این طرف، دولت‌های غرب ناخواسته تشدید کرد. بود که آمریکا به‌سرعت در حال فروپاشی است و از میان خواهد رفت و اقتدارش فروخواهد پاشید

که اجماع جهانی را علیه ایران ایجاد کرده بود، منکر هولوکاست شده بود و قطع‌نامه‌های شورای امنیت را کاغذپاره‌ای بیش نمی‌دانست، موجب شد که اروپا و آمریکا یکدست شوند، حتی چین و روسیه احساس تهدید کنند. در شورای امنیت علیه ما قطع‌نامه بگذراندند و اجماع جهانی علیه ایران ایجاد شود و ما در تنگنا قرار بگیریم، در شرایطی در تنگنا قرار گرفتیم که بسیار آسیب‌پذیر شده بودیم. حرف من این است که اگر سیاست‌مدار بخواهد با غرب دربیفتد، در تجارت خارجی‌اش را روی دنیای غرب باز نمی‌کند که وقتی این درها بسته‌شد، دچار انقباض و رکود اقتصادی شود. احمدی‌نژاد این ندانم‌کاری را به اوج رساند. با این سیاست، احمدی‌نژاد دولتی به‌جا گذاشت که بسیار آسیب‌پذیر بود. هم استقراض زیادی کرد؛ دولت را به بانک مرکزی، بخش خصوصی، پیمانکاران مشاوران و… مقروض کرد و هم اتکا به تجارت خارجی را افزایش داد و آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را به اوج رساند. اجماع جهانی را علیه ما برانگیخت و خودش گذاشت و رفت. به‌این‌ترتیب زمانی که در سال ۹۱ و ۹۲ تحریم‌ها به اوج خود رسید، اقتصاد ایران زمین‌گیر و با رکود و تورم جدی مواجه شد. دو سال پیاپی رشد منفی داشتیم. در سال ۹۳ رشد اندک و در سال ۹۴ رشد منفی داشتیم. تورم شدت گرفت و سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ۳۳ درصد و ۳۶ درصد رسید. در آن دوره ارزش پول ملی به‌شدت تنزل یافت. دولت آقای روحانی که سر کار آمد، به این نتیجه رسید که باید تعامل سازنده با جهان را سیاست خود قرار دهد و با حمایت مقام معظم رهبری به سمت مذاکره و خروج ایران از تحریم رفت.

کار چرا در دوره احمدی‌نژاد با وجود اینکه درآمدهای نفتی بالایی داشتیم، یک دولت مقروض به‌جا ماند؟

علتش این بود که دولت احمدی‌نژاد اساساً دولت عوام‌گرایی بود که می‌خواست رضایت مردم را به هر قیمتی جلب کند. او تصور می‌کرد که تزریق پول نفت به اقتصاد ایران شغای همه دردهای مزمن مردم و کشور خواهد بود. اصرار او به پرداخت یارانه نقدی به مردم، اجرای طرح‌های زودبازده و ایجاد اشتغال میلیونی در هر سال و اجرای طرح مسکن مهر در مقیاس بزرگ و تعهدات مالیی دولت او برای اجرای طرح‌های استانی، بار مالی سنگینی برپای آورد؛ به‌وجه کشور ایجاد کرد. این بی‌انضباطی مالی، بزرگ‌ه دولت را با کسری‌های بزرگ مواجه کرد و پولی‌کردن این کسری‌ها، تورم بیشتری به اقتصاد تحمیل کرد. افزایش استقراض دولت از سیستم بانکی و عدم پرداخت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به پیمانکاران و مشاوران نیز منجر به بدهی انباشته بزرگ دولت شد. **کار به خودکفایی اشاره کردید. ما سعی کردیم سیاست خودکفایی را در تسلیحات نظامی و محصولات کشاورزی پیاده کنیم. آیا موفق بودیم؟**
در صنایع نظامی موفقیت‌های خوبی کسب کرده‌ایم. به‌خصوص در دهه اخیر، صنایع نظامی ما پیشرفت قابل‌توجهی داشته است. زیردریایی‌های کوچکی را راه‌اندازی کردیم. سیستم پدافند موشکی را تقویت کردیم. موشک‌های دوربرد و میان‌برد را تقویت کردیم. موشک کروزر را در سواحل خود برای دفاع از کشور مستقر کردیم. آمریکایی‌ها هم در گزارشات خود ادعان دارند که صنایع دفاعی ایران پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای کرده است. اخیراً هم می‌دانید که با حضور رئیس‌جمهور موشک‌های ۳۷۳ که نام آن باور ملی است، رونمایی شد. گفته می‌شود این موشک‌ها به‌طور هم‌زمان می‌توانند با شش هدف درگیر شوند و مدل ارتقاافته موشک‌های ضدهوایی اس-۳۰۰ روسی هستند. اینها دستاوردهای بزرگی است. در مورد کشاورزی باید اذعان کنیم که متأسفانه با ناکامی مواجه بوده‌ایم. در بخش کشاورزی برآورد خود دولت این است که ۱۰۵ میلیارد دلار نهاده‌های کشاورزی مثل روغن نباتی، علوفه و خوراک دام و طیور، واکسن دامی و … را وارد می‌کنیم. حاصل یارانه‌های بزرگی که به بخش کشاورزی پرداخت کرده‌ایم و کاستی‌هایی که در مدیریت منابع تجدیدپذیر کشور داشته‌ایم منفی بوده است. به این معنی که در این سال‌ها نیمی از جنگل‌های ایران مثل جنگل‌های زاگرس از بین رفتند.

الان بخش مهمی از دشت‌های کشور دچار فرونشست است. اضافه‌برداشت از دشت‌های ما بالای ۱۰ میلیارد متر مکعب در سه سال است. سدهای زیادی ایجاد کردیم که با توجه به روندهای خشکسالی این سدها پر نمی‌شوند. به موازات آن کانال‌های زیر سدها را احداث نکردیم و سدهای ما وسیله‌ای برای تبخیر آب و بهره‌برداری برای برق‌شدن و در کشاورزی استفاده مطلوبی ندارند. در بخش کشاورزی هم در این ۱۰ سال، دو میلیون هکتار اراضی آبی جدید را زیر کشت بردیم. راندمان آبیاری ما حدود ۳۵ درصد بوده و بسیار ناکارآمد است. یارانه آب دادیم. یارانه انرژی دادیم. تغییر کاربری اراضی را کنترل نکردیم. از منابع طبیعی و جنگل‌ها حفاظت نکردیم. حتی منابع آبزیان به غارت رفت. مجموع اینها تخریب عظیمی را که از نظر تاریخی بی‌سابقه بود، در بخش منابع طبیعی تجدیدپذیر به وجود آورد. ضمناً اگر دقت کنید، ما در بعضی از سال‌ها در گندم که عمده‌ترین غله‌ای است که کشت می‌کنیم، به خودکفایی می‌رسیم و در بعضی سال‌ها نمی‌رسیم. در سال‌هایی که به خودکفایی می‌رسیم، جشن خودکفایی می‌گیریم. در سال‌هایی که به خودکفایی نمی‌رسیم، بی‌سروصدا واردات داریم.

ادامه در صفحه ۱۵

نگاه

ایران در کانون قرن آمریکایی-چینی

فریبرز مسعودی - روزنامه‌نگار

● سیاست‌مداران آمریکا در آستانه سال ۲۰۰۰، سده ۲۱ را قرن آمریکا نام گذاشته و دولت‌های آمریکا از آن پس چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه هم و غم خود را برای ادامه سروری آمریکا بر سه عرصه مهم و تاریخ‌ساز کنونی نهاده‌اند. کنترل جریان مالی، پولی و به‌طور کلی جریان سرمایه، جریان نفت و انرژی و سوم کنترل بازار اسلحه سه پایه اصلی هژمونی و مختصات قرن آمریکایی هستند که اولویت اصلی سیاست‌های مالی، پولی، نظامی و اقتصادی آمریکا را در این سال‌ها تشکیل داده‌اند. چین با جمعیتی عظیم، بازاری گسترده که همان سیاست‌هایی است که دولت‌های بوش و اوباما به صورت یورش نظامی به عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، یمن یا به صورت تحریم ایران، کره‌شمالی، ونزوئلا، روسیه و سایر کشورها انجام داده‌اند، در حال حاضر شاهد سرب‌آوردن ازدهای زرد از خاورزمین هستند. چین با جمعیتی عظیم، بازاری گسترده که رشد اقتصادی را با توسعه اجتماعی، سیاسی و فنی گره زده و با یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه قصد دارد به تدریج خود را از سایه شرکت‌های فراملی و غربی خارج کرده و قرن چینی را در برابر قرن آمریکایی رقم بزند. دولت چین در چند سال گذشته با اصلاحات مداوم و مستمر سیاست‌ها و قوانین تجاری و اقتصادی رشد اقتصادی را با توسعه اجتماعی، سیاسی و فنی گره زده و با یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه قصد دارد به تدریج خود را از سایه شرکت‌های فراملی و غربی مداوم و مستمر سیاست‌ها و قوانین تجاری و اقتصادی رشد اقتصادی را با توسعه اجتماعی، سیاسی و فنی گره زده و با یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه قصد دارد به تدریج خود را از سایه شرکت‌های فراملی و غربی بندری هتگ‌نگ و ماکائو و دست‌رسی آن به اعماق اقیانوس هند و آرام اهتمام ویژه داشته و هم‌زمان با اجرای مضمونی از کنش‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فنی زمینه اجرای پروژه تاریخی کمربند ابریشم را با جلب روسیه، کشورهای آسیای مرکزی و شبه‌قاره هند، شمال آفریقا و حتی زیر صحرای گستردن دامنه آن از ترکیه به ایتالیا فراهم کرده، پروژه‌ای که در عمل همان کمربند پیوسته اوراسیایی است که با پیوند دادن تمدن‌های باستانی از میان‌رودان، دره سند و رود زرد از خاور تا هندوآ و ونیز در باختر که زمین به یکدیگر برای دو هزار سال هم‌بشری را بی ریخت. سرمایه‌گذاری عظیم چین برای این منظور که از یک‌اکگیری چندین ماهواره برای سسیرپایی خارج از سلطه ماهواره‌ای GPS آمریکا و قدرت لجستیکی و ترابری دریایی، هوایی و زمینی ریلی و جاده‌ای با حضور تقریباً نیمی از دولت‌های جهان و دوسوم جمعیت جهان شکل می‌یابد، چنانچه به مشارکت عادلانه کشورهای جهان همراه باشد تجربه جدیدی از اقتصاد جهانی عاری از سلطه کشورهای کانونی علیه کشورهای پیرامونی خواهد بود. پیمان شائکهای تا حدود زیادی پایه‌های حقوقی و سیاسی کمربند ابریشم را از سال ۲۰۰۱ تا حضور و مشارکت چین، روسیه، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان به منظور همکاری‌های چندجانبه سیاسی، اقتصادی و امنیتی در برابر آمریکا پدید آورد. این پیمان در سال‌های بعد ایران، مغولستان، افغانستان و بلاروس را به عنوان عضو ناظر و هند و پاکستان را به عنوان عضو اصلی پذیرفت و به این وسیله هم‌راهی خود را گسترش داد اما ایران هنوز در مرحله عضو ناظر در نشست‌های این پیمان حضور دارد. دشمنی‌های ادامه‌دار آمریکا و انگلیس علیه ایران و همراهی اروپا با این سیاست‌ها از یک سو و همکاری‌های ایران با روسیه در جنگ سوریه و جابنداری روسیه و چین از ایران در جریان گفت‌وگوهای برجام و مخالفت با تحریم‌های غرب علیه ایران زمینه‌های همکاری و هم‌گرایی ایران با چین و روسیه را فراهم کرده اما هنوز سیاست مدون اقتصادی، سیاسی و امنیتی مشخصی از سوی ایران برای پذیرش پیمان شائکهای و همکاری و هم‌گرایی بین اقتصاد ایران و روسیه به عنوان یک همسایه بزرگ و دارای منابع عظیم نفت و گاز و اقتصاد چین به عنوان یک شریک اقتصادی خارج از مراده‌های عادی تجاری در زمینه فروش نفت به چین و خرید کالاهای ساخته‌شده از این کشور ارائه نشده است. بخشی از عدم گسترش همکاری‌های اقتصادی ایران با روسیه و چین در دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا به دلیل نفوذ اندیشه‌های اقتصاد بازارگرا که اقتصاد ایران را در عمل به حاشیه رانده است و بخشی نیز به دلیل تبلیغات غرب در افکار عمومی علیه هرگونه همکاری اقتصادی و سیاسی ایران با این دو کشور است. در حالی که در هر مرحله اعمال تحریم‌های غرب علیه ایران کشورهای اروپایی و شرکای اصلی تجاری ایران از قبیل امارات و قطر به دلیل وابستگی سیاسی و اقتصادی به غرب پیشتر اجرای تحریم‌ها بوده و دست ایران را در پوست گردو گذاشته‌اند اما ایران در تمام این سال‌ها همواره سیاست نزدیکی اقتصادی و سیاسی به غرب را دنبال کرده است. اکنون سفر طریف به چین و ارائه برنامه همکاری راهبردی ۲۵ساله ایران و چین موجب غافلگیری ناظران اقتصادی شده و با سکوت رسانه‌های چاپی اصلی در اردوگاه اصلاح‌طلبان و اصولگرایان روبه‌رو شده و با اینکه سفر طریف به فرانسه دستاوردی برای اقتصاد ایران نداشته، برنامه راهبردی ایران و چین در کرد و خاک پیغام‌های عادی دیپلماتیک روحانی ترامپ فرسوده شده است. با توجه به بی‌عملی مغرط وزارتخانه‌های اقتصادی دولت ارائه این برنامه توسط وزیر خارجه می‌تواند نشان‌دهنده گستره جامع این برنامه در چارچوب کمربند راه ابریشم باشد و ای بسا سیاست‌مداران ایران را از گرداب اندیشه‌های جریان اصلی اقتصادی رها کرده و گشایشی در گره فروسته اقتصاد ایران ایجاد کند!